

# آموزش و پرورش طبقاتی دیروز، امروز و فردا-2

## سیدجواد حسینی

در حوزه آموزش و پرورش عمومی این طبقات فرودستند که آموزش بیکیفیت اما دولتی و رایگان دریافت می‌دارند حال آنکه طبقات برخوردار آموزش عمومی باکیفیت اما پرهزینه را بهره می‌برند. این روند در آموزش عمومی علاوه بر افزایش شکاف‌های آموزشی بر تعداد بیسوادان و بازماندگان از تحصیل افزوده است. هم‌اکنون در جامعه ایران ده میلیون بیسواد وجود دارد و بیست میلیون نوجوان داریم که پس از دوره آموزش متوسطه اول فرصت حضور در متوسطه دوم را نیافته‌اند مثلاً در استان سیستان و بلوچستان نرخ بازماندگی از تحصیل در متوسطه اول ۲۴ درصد و در دوره متوسطه دوم ۴۶ درصد است و ما به جای اینکه بر گسترش افقی آموزش و رفع این مشکلات در حوزه آموزش عمومی متمرکز شویم بر رشد عمودی آموزش و آموزش عالی و گسترش آن توجه یافته‌ایم در حالی که هم در سند تحول بنیادین و هم در سطح جهان چرخشی از سوی آموزش بزرگسالان بر آموزش کودکان رخنمون شده است و ما در حال پیمودن روندی معکوس هستیم. علاوه بر آن در دوره آموزش عالی طبقات برخوردار از آموزش دولتی رایگان و باکیفیت و طبقات غیر برخوردار از آموزش غیردولتی، بیکیفیت و گران باید استفاده کنند، این روند باعث تثبیت و تشدید نابرابری‌های اجتماعی می‌شود، زیرا وقتی روند کالایی شدن آموزش در آموزش و پرورش موجب می‌شود طبقات برخوردار آموزش‌های باکیفیت در بهترین دانشگاه‌ها را رایگان دریافت دارند مدارک تحصیلی معتبر را کسب می‌کنند و در بازار اشتغال و درآمد نیز برندگان میدان‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی می‌شوند و از این طریق نه تنها نابرابری‌های بیرون از شبکه‌های آموزش تثبیت و تشدید می‌شود، بلکه تشریع هم می‌شود (مشروعیت می‌یابد).

آخرین موضوعی که لازم می‌دانم به آن اشاره کنم، نوع سیاست‌هایی است که دولت سیزدهم به رغم شعارهای انتخاباتی در جهت افزایش شکاف نابرابری‌های آموزشی در پیش گرفته است، اول اینکه در سند انتظار دولت به وزارت آموزش و پرورش که دارای شش بند است در دو بند آن موضوعاتی را به عنوان سیاست‌های مورد انتظار مطرح کرده است که به

نظر می‌رسد شکاف‌های آموزشی را دامن می‌زند در بند ۳ سند انتظار آمده است که مدارس هیات امنایی باید به ۲۵ درصد مدارس در سال ۱۴۰۳ توسعه یابند، اول اینکه گسترش مدارس هیات امنایی یعنی افزودن بر دامنه تنوع مدارس که در سطور پیشین توضیح دادم که هم نخبه‌گرایی و هم نابرابری آموزشی را بسط می‌دهد و نیز ظرفیت گروه‌های خاص برای پنجه انداختن بر آموزش کشور را می‌افزاید و این موضوع در تضاد آشکار با عدالت آموزشی است. در بند ششم این سند نیز بر تخصیص سرانه‌های آموزشی به خانواده و افزایش امکان انتخاب برای آنها را مورد توجه قرار داده است این موضوع که در ادبیات آموزش و پرورش دنیا به کوپنی شدن آموزش یا پته‌های آموزشی شهرت دارد و در برخی نقاط جهان و خصوصا آمریکا پیاده شده است نه تنها کیفیت آموزش را نیفزوده بلکه بر دامنه نابرابری‌ها و تسلط گروه‌های خاص به آموزش و پرورش افزوده است. نکته دومی که در سیاست‌های دولت سیزدهم قابل توجه است توجه به سند بودجه ۱۴۰۲ است. در بودجه ۱۴۰۲ ما شاهد ۲۱ درصد رشد نسبت به ۱۴۰۰ هستیم یعنی حدود چهار میلیارد تومان که سی و هشت هزار میلیارد آن به رتبه‌بندی مربوط است و در مجموع ۱۱ درصد بودجه کشور را شامل می‌شود؛ بودجه‌ای که در دوران جنگ بالای ۱۵ درصد بودجه کل کشور بود و اگر کسر بودجه سنواتی گذشته که به این بودجه علاوه می‌گردد و افزایش نرخ تورم را در نظر بگیریم می‌توان ادعا کرد عملا رشدی در بودجه اتفاق نیفتاده است. بنابراین با این بودجه سهم دولت از هزینه‌های آموزشی افزایش نیافته و همچنان تحقق عدالت آموزشی را با چالش جدی مواجه می‌سازد. نکته مهم دیگر اینکه در سند بودجه ۱۴۰۰، ۳۲۹ برنامه و فعالیت وجود داشت که در بودجه ۱۴۰۲ در ۶۰ برنامه و فعالیت ادغام و کاهش یافته است. به عنوان مثال سه برنامه طرح جامع حمایت از ارتقای پوشش تحصیلی مناطق محروم و برنامه توسعه عدالت آموزشی و طرح خرید خدمات از سند بودجه حذف شده‌اند مثلا مطابق با بندی که بر طرح حمایت جامع از ارتقای پوشش تحصیلی تاکید داشت عناوینی چون حمایت از ۴۱ هزار دانش‌آموز مناطق عشایری و... ادامه دارد

منبع: روزنامه اعتماد 21 شهریور 1402 خورشیدی